

مجموعه گفتارهای علمی اخلاقی

حضرت آیت الله یثربی دامت برکاته



به سوی معرفت

تفسیر آیات ولایت و امامت

مجالس بزرگداشت عترت علیهم السلام
موافق کتاب و سنت

۱۳ تیر ۱۳۸۶

۱۹ جمادی الثانی ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

« الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين

ولعنة الله على أعدائهم أجمعين » .

« قال الله الحكيم في محكم كتابه أعوذ بالله من الشيطان الرجيم »

﴿ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ ﴾^(۱) .

بگو: به فضل و رحمت خدا باید خوشحال شوند، که این از تمام آنچه گردآوری کرده‌اند، بهتر است.

میلااد مسعود و مبارک حضرت فاطمه زهرا صدیقه کبری علیها السلام را به همه مؤمنین و مؤمنات تبریک عرض می‌نمایم. انشاء الله این میلاد مبارک برای همه مؤمنان و شیعیان و موالیان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سرشار از برکت، سعادت و توفیق باشد.

برای اینکه سلسله مباحث گذشته منقطع و متوقف نگردد و تناسب این شب مبارک رعایت گردد، به نقل و نقد یکی دیگر از شبهات ابن تیمیّه و وهابیان که مربوط به برگزاری این گونه مجالس و محافل است می‌پردازیم.

ابن تیمیّه و مجالس بزرگداشت:

فرقه وهابیت که سلسله جناب آن ابن تیمیّه می‌باشد به گونه‌ای متفاوت با

۱- سوره یونس، آیه ۵۸.

پدیده‌های نو تعامل می‌نمایند. یکی از پدیده‌های اجتماعی که محصول رشد جوامع مدنی می‌باشد برگزاری جشن‌ها و مراسمی است که به عنوان بزرگداشت و تکریم انسانهای برجسته برگزار می‌گردد. این گرایش که هر پدیده نو و جدیدی که در گذشته مسبوق به سابقه نمی‌باشد را نفی و طرد می‌نماید. به عنوان مثال در بسیاری از سفرنامه‌های گذشته و اسناد و مدارک تاریخی مخالفت با بلندگو، دوچرخه، تلفن و ... از سوی این نوع تفکر دیده می‌شود.

این تیمیه و پیروان وی می‌گویند: برگزاری موالید، یادواره و احتفالات برای اولیای الهی عبادت و پرستش آنها محسوب می‌شود. از نظر آنان اقامه مجالس جشن و سرور و یا عزاداری برای اولیای الهی علیهم‌السلام احیاء سنتهای جاهلی و اماته و میراندن احکام شریعت است و از لحاظ شرعی باطل و مردود، زیرا مسیحیان چنین مجالسی برپا می‌کنند.

این تیمیه در کتابی به عنوان *اقتضاء صراط المستقیم مخالفة اصحاب الجحیم*، اغلب عقائد خود را شرح و توضیح داده است. تمام آنچه که وهابیان، سلفیان و متأخرین از آنان معتقداند، برگرفته از این کتاب است. متأسفانه امروزه این کتاب را به زبان فارسی ترجمه کرده‌اند و در مکه و مدینه بطور رایگان در میان همه زائران توزیع می‌کنند. سعی می‌شود در این سلسله جلسات مطالب اساسی این کتاب بطور علمی و مستدل نقد و بررسی گردد. در این جا تذکر مطلبی را ضروری می‌دانم، هر چند در گذشته نیز به آن اشاره شده است. با توسعه وسائل ارتباطی و گسترش آن در کلیه جوامع بشری زمینه برای تبلیغ همه فرق فراهم آمده است. در صورت عدم هوشیاری اندک اندک بنیانی که با زحمات فراوان پی ریزی و مستحکم گردیده است در معرض خطر قرار می‌گیرد.

لذا به همهٔ پدران و مادران و خصوصاً جوانان توصیه می‌نمایم که معارف دین و اعتقادات خود را بطور مستدل و جامع بیاموزند. هر چند این شهر دارای سابقه طولانی در ارادت و محبت به خاندان رسول الله ﷺ است و هیئات مذهبی بسیاری توسط جوانان پرشور و علاقه‌مند اداره می‌گردد اما این شور و اشتیاق و محبت باید با علم و شعور مذهبی همراه گردد تا در برابر هر حمله و تبلیغ سوئی آسیب ناپذیر گردد.

لُبّ سخن آنان این است که اقامهٔ مجالس جشن و سرور و برپا کردن مجالس سوگواری و عزا برای اولیای الهی ﷺ بدعت در دین محسوب می‌شود و بدعت امری مذموم و محرّمی است.

تعریف بدعت:

برای بررسی و نقد سخنان آنان، نخست به تعریف بدعت می‌پردازیم. تمام فقهاء اعمّ از شیعه و سنی در تعریف بدعت می‌گویند:

«البدعة، إدخال ما ليس من الدين في الدين»^(۱).

بدعت یعنی وارد کردن مسائل و احکامی در دین که جزء دین نیست. روایات نیز این تعریف از بدعت را تأیید می‌نمایند. لازم به ذکر است که در این مباحث از منابع مورد قبول عامّه استفاده می‌نماییم تا راه‌گریز و اشکال تراشی برای آنان باقی نماند. اهل سنت در کتب خود نقل می‌کنند که رسول الله ﷺ فرموده‌اند:

۱- الحق المبین، صفحه ۱۱ و کشف الارتیاب، صفحه ۱۰۲.

« من أحدث في أمرنا هذا ما ليس فيه فهو ردٌّ (رُدُّ عليه) »^(۱).
 هر کس حکمی در امر ما [شریعت اسلام] وارد کند، که از آن نباشد،
 آن مردود است (به او برگردانده می شود).
 همچنین بنا به نقل آنان، رسول الله ﷺ می فرماید:
 « إياكم ومحدثات الأمور فإن كلَّ محدثة بدعة وإن كلَّ بدعة ضلالة »^(۲).
 از ایجاد احکام جدید پرهیز کنید، به درستی که هر حکم جدیدی
 بدعت است و هر بدعتی موجب گمراهی است.

برهان عقلی بطلان بدعت:

علاوه بر روایات فراوانی که در کتب شیعه و اهل تسنن در رابطه با نهی و ممنوعیت، بدعت وجود دارد، برهان عقلی نیز بر بطلان و ممنوعیت، بدعت تأکید می کند.

می توان بر بطلان بدعت این گونه استدلال نمود که شریعت و احکام دین مجموعه کاملی است که از ناحیه خداوند متعال به وسیله پیامبران ﷺ نازل شده است. حال اگر مسئله ای را وارد دین نماییم در واقع به دین و خداوند متعال نسبت ناروا داده ایم و چون این مجموعه کامل از طرف خداوند که داناترین موجود به مخلوق خود می باشد و برای سعادت او نازل شده حال در این وضعیت به این مجموعه کامل تعرض شده، دیگر مشخص نیست که عمل طبق این دستور العمل باعث سعادت و رستگاری گردد.

۱- صحیح بخاری، جلد ۳ صفحه ۱۶۷ و صحیح مسلم، جلد ۵ صفحه ۱۳۲.

۲- مسند احمد، جلد ۴ صفحه ۱۲۶ و سنن ابن ماجه، جلد ۱ صفحه ۱۶.

به عبارت دیگر، بدعت نوعی گسترش یا تنگ کردن احکامی است که خداوند متعال آنها را مقرر فرموده است، از جانب کسانی که این صلاحیت را ندارند. این کار از لحاظ عقلی، نادرست و ممنوع است.

به عنوان مثال، بدعت یعنی نسبت دادن سخنی به کسی که این سخن را نگفته باشد. این کار کذب و دروغ بستن است و قبح عقلی دارد.

نظر علماء اهل تسنن در رابطه با بدعت:

با وجود اینکه اهل سنت ممنوعیت عقلی و شرعی بدعت را پذیرفته‌اند و در کتب خود ذکر نموده‌اند، اما بدعت را مقسمی برای احکام پنجگانه قرار داده‌اند و می‌گویند:

«إنَّ البدع علی خمسة اقسام، واجبة ومحرمة ومكروهة ومستحبة ومباحة»^(۱).

بدعت پنج حکم دارد، واجب، حرام، مکروه، مستحب و مباح. بر اساس ادله عقلی و شرعی که اهل سنت نیز پذیرفته‌اند، یک نوع بدعت داریم و آن نیز محرم و ممنوع است. اما علمای آنان، احکام پنج‌گانه را بر بدعت جاری می‌دانند و آن را به واجب، حرام، مکروه، مستحب و مباح تقسیم می‌کنند. شافعی می‌گوید:

«ما أحدث و خالف کتاباً أو سنّة أو إجماعاً أو أثراً فهو البدعة الضالّة و ما أحدث من خیر و لم یخالف شیئاً من ذلك فهو البدعة المحمودة»^(۲).

۱- اعانة الطالبین، جلد ۱ صفحه ۳۱۳ و المجموع، جلد ۴ صفحه ۵۱۹.
 ۲- اعانة الطالبین، جلد ۱ صفحه ۳۱۳ و سيرة حلبی، جلد ۱ صفحه ۱۳۷.

هر حکم جدیدی که مخالف، کتاب، سنت، اجماع و هر چیزی که در دین ذکر شده است، باشد بدعت گمراه کننده است و هر حکم جدیدی که نیک باشد و مخالف احکام الهی نباشد، بدعتی پسندیده است.

ابن حجر می‌گوید:

« ان البدعة الحسنة متفق علی ندبها »^(۱).

همه پذیرفته‌اند که بدعت پسندیده، مستحب است.

همو برگزاری جشن ولادت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را از بدعت‌های خوب دانسته

می‌گوید:

« ... وعمل المولود واجتماع الناس عليه كذلك »^(۲).

همچنین برپایی جشن تولد و گردهمایی مردم (بدعت پسندیده

است)».

یکی از علمای اهل سنت به نام ابو شامه می‌گوید:

« ومن أحسن ما ابتدع في زماننا ما يفعل في كل عام في اليوم الموافق

ليوم مولده صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ من الصدقات والمعروف وإظهار الزينة

والسرور »^(۳).

و از بدعت‌های خوب زمان ما، کارهایی است که مردم هر سال در روز

ولادت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ انجام می‌دهند، مانند صدقه دادن، انجام کارهای

نیک، لباس زیبا به تن کردن و اظهار سرور و شادمانی ».

۱- اعانة الطالبين، جلد ۱ صفحه ۳۱۳ و سيرة حلبی، جلد ۱ صفحه ۱۳۷.

۲- سيرة حلبی، جلد ۱ صفحه ۱۳۷.

۳- اعانة الطالبين، جلد ۱ صفحه ۳۱۳.

یکی دیگر از علمای آنان می‌گوید:

« جرت العادة ان الناس إذا سمعوا ذكر وضعه ﷺ يقومون تعظيماً

له ﷺ وهذا القيام مستحسن لما فيه من تعظيم النبي ﷺ »^(۱).

عادت مردم بر این است که هنگامی نام رسول الله ﷺ را می‌شنوند به احترام ایشان ﷺ از جای بر می‌خیزند، و این ایستادن عمل پسندیده‌ای است، زیرا احترام به پیامبر ﷺ می‌باشد.

بدعت عمر (علیه‌ها علیه):

تقسیم بدعت توسط اهل سنت به پنج نوع (مکروه، حرام، واجب، مستحب، مباح) ناظر به یک حادثه تاریخی است. این حادثه در زمان خلافت خلیفه دوم در مسجد پیامبر و در ماه مبارک رمضان اتفاق افتاده است. مستحب است که در مجموع ماه مبارک رمضان هزار رکعت نماز خوانده شود^(۲). در ماه‌های رمضان که مسلمانان در مسجد مشغول خواندن نمازهای مستحبی بودند عمر (علیه‌ها علیه) به مسجد می‌آید و نماز گزاران را متفرق می‌بیند. عده‌ای در حال رکوع، عده‌ای در حال سجود و ... عمر از این وضعیّت مسجد ناخرسند می‌گردد. گویی این بی‌نظمی ظاهری را بر نمی‌تابد و می‌خواهد امور نماز و عبادت مسلمانان سر و سامانی بگیرد. لذا فوراً دستور می‌دهد که این نمازها به جماعت خوانده شود. ابی‌بن‌کعب را نیز به عنوان امام جماعت آنان قرار می‌دهد. بعد از آنکه نماز مستحبی به جماعت برقرار می‌گردد عمر با نگاه به نماز گزاران می‌گوید:

۱- اعانة الطالبین، جلد ۳ صفحه ۴۱۴.

۲- مفاتیح الجنان، اعمال شبهای ماه رمضان.

«هي بدعة ونعمت البدعة»^(۱).

این (نماز تراویح) بدعت است و چه خوب بدعتی است.

اهل سنت به علت بدعت عمر (علیه ما علیه) سخنان پیامبر ﷺ را تأویل و تحریف کردند و بر این نظر شدند که علاوه بر بدعتهای حرام، بدعتهای واجب، مستحب، مکروه و مباح نیز وجود دارد^(۲).

آیا بزرگداشت اولیای الهی بدعت است؟

سخن ما با اهل سنت، وهابیان و پیروان آنان این است که چرا مجالسی که برای بزرگداشت و گرامی داشت رسول الله ﷺ و اهل بیت علیهم السلام برگزار می‌کنیم بدعت است؟ آیا اقامه مجلس عزا و سوگواری برای شهادت و ظلمی که بر حضرت زهرا علیها السلام شد بدعت است؟!

مگر نه آن است که شما بدعت را دارای پنج حکم دانسته‌اید، مگر نه آن است که شافعی برخی از بدعتها را پسندیده می‌داند. پس بنابر نظر شما نباید اقامه مجلس برای رسول الله ﷺ و دختر گرامی‌شان علیها السلام بدعت باشد.

از جانب شارع مقدس نسبت به امور روزمره و عرفیه‌ای که مردم با آن سر و کار دارند، نهی و منعی وارد نشده است. و لازم نیست که بگویم اینها از امور

۱- صحیح بخاری، جلد ۳ صفحه ۵۸ و موطأ مالک، جلد ۱ صفحه ۱۱۴.

۲- بدعت‌ها و سنن ناصواب معمولاً مورد توجه و استقبال نا آگاهان و بی‌خردان قرار می‌گیرد. بعد از گذشت سالها زمانی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به حکومت می‌رسند هنگامی که مردم را از این بدعت و عمل حرام نهی می‌کنند فریاد مردم بلند می‌شود که «واسته عمراه» [ثم اهدیت، صفحه ۱۹۹].

دینی هستند یا خیر، به عبارت روشن‌تر، استفاده از مظاهر زندگی روزمره همانند ماشین، تلفن، هواپیما و... بدعت نیست. استفاده از همه پدیده‌های نوین مشروط بر آنکه با حکمی از احکام الهی مخالفت نداشته باشد، جایز و مباح می‌باشد.

آیا وهابیان که امروزه از آخرین وسایل پیشرفته استفاده می‌کنند، مرتکب بدعت شده‌اند؟

با توجه به مطلب فوق مجالسی که شیعیان در قالب جشن سرور و یا ماتم و عزا برای اولیای الهی علیهم‌السلام می‌گیرند در دایره بدعت قرار نمی‌گیرد. بنابر فرض اگر بپذیریم که این اعمال بدعت است، بنابر نظر شما، جز بدعت‌های پسندیده می‌باشد.

احترام و خضوع به دیگران، عبادت آنان نیست:

ابن تیمیّه و پیروان وی مدّعی‌اند که برپا کردن مجلس بزرگداشت برای هر کس، عبادت و پرستش آن شخص به حساب می‌آید. آیا اگر کسی برای فرزندش جشن تولّد بگیرد، فرزندش را عبادت می‌کند؟!

در روایات آمده است ولیمه دادن که به عبارتی برگزاری مجلس جشن و سرور می‌باشد برای مواردی چون عروسی، ختنه کردن فرزند و خرید منزل مستحب است^(۱)، آیا در این موارد نیز ما عروس و داماد، فرزند ختنه شده یا صاحب منزل را عبادت و پرستش می‌کنیم؟!

هر نوع احترام، خضوع و خشوع در برابر دیگران به معنای عبادت کردن آنان نیست. اگر بطور مطلق هر نوع احترام و تذلل نسبت به دیگران، عبادت آنان

۱- تذکره الفقهاء، جلد ۲ صفحه ۵۷۸ و وسایل الشیعه، جلد ۲۰ صفحه ۹۵.

محسوب شود، در جهان هیچ مؤحد و یکتا پرستی یافت نخواهد شد و خداوند متعال نیز به جای دعوت به توحید، دستور به شرک داده است، زیرا خداوند متعال در قرآن می‌فرماید:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾^(۱).

و (یاد کن) هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده و خضوع کنید، همگی سجده کردند، جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید و از کافران شد.

خداوند متعال به فرشتگان دستور می‌دهد که به آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ سجده کنند، بنابر نظر وهابیان خداوند متعال ملائکه را به شرک دعوت می‌کند. در نتیجه ملائکه مشرک‌اند، زیرا به حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ سجده کردند و ابلیس مؤحد است، زیرا سجده نکرد.

در آیه‌ای دیگر خداوند متعال در خصوص احترام و توجه به پدر و مادر می‌فرماید:

﴿وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾^(۲).

و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان (والدین) فرود آر.

اگر احترام به پدر و مادر به معنای عبادت کردن آنان است، در این آیه نیز خداوند متعال بنابر نظر وهابیان دستور به شرک می‌دهد.

۱- سوره بقره، آیه ۳۴.

۲- سوره اسراء، آیه ۲۴.

خداوند متعال پیرامون نحوه تعامل با مؤمنین می فرماید:

﴿وَاحْفَظْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾^(۱).

و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می کنند بگستر.

خداوند متعال به رسول الله ﷺ دستور می دهد که با مؤمنان با مهربانی رفتار نماید. آیا در این آیه نیز خداوند، پیامبر اسلام ﷺ را به شرک دعوت می کند؟!

قرآن کتاب توحید، معرفت، تربیت و انسان سازی است، اما بنابر نظر وهابیان قرآن به شرک دعوت می کند!

یکی از اصول پذیرفته شده در نزد همه عقلاء احترام و ادب نسبت به ذوی الحقوق، والدین، استاد و پزشکی است که از او بهره مند شده ایم. به ذهن هیچ کس خطور نمی کند که احترام و خضوع نسبت به آنان مساوی عبادت کردن و پرستش آنان است.

خداوند متعال می فرماید:

﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا﴾^(۲).

صدا کردن پیامبر [ﷺ] را در میان خود، مانند صدا کردن یکدیگر قرار ندهید.

در این آیه خداوند متعال به مؤمنان دستور می دهد که با احترام رسول الله ﷺ را صدا بزنند. بنابر نظر وهابیان اگر هر نوع احترام شرک محسوب شود، این آیه نیز مؤمنان را به شرک دعوت می کند!

۱- سوره شعراء، آیه ۲۱۵.

۲- سوره نور، آیه ۶۳.

در آیه‌ای دیگر خداوند متعال می‌فرماید: صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ ﴾^(۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صدای خود را فراتر از صدای پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نکنید.

آیا این دستور خداوند نیز شرک محسوب می‌شود؟!

اولیای الهی بهترین هدیه‌های آسمانی:

اولیای الهی و حضرات معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام در درجهٔ اول بندگان راستین خداوند متعال هستند و قدرت و عظمت آنان در طول عظمت الهی قرار دارد نه در عرض آن. بزرگداشت و تکریم آنان به هیچ وجه شرک محسوب نمی‌شود، زیرا بنابر آیاتی که بیان نمودیم، خداوند متعال دستور به احترام و تعظیم غیر خود داده است و این دستور با توحید نا سازگار نیست. از طرف دیگر خداوند مٔان نعمت و گوهر گرانبهایی را به ما انعام فرموده است و آن وجود پاک و نورانی رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌باشد. آیا برپا کردن مجالس بزرگداشت برای وجود نورانی و مطهر ایشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بدعت و شرک است؟!

پیروان حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به وی گفتند آیا پروردگارت می‌تواند مائده‌ای از آسمان بر ما نازل کند؟

حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ آنان دعا کرد و فرمود:

﴿اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا
وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ﴾^(۲).

۱- سوره حجرات، آیه ۲.

۲- سوره مائده، آیه ۱۱۴.

خداوندا! پروردگارا! از آسمان مائده‌ای برای ما بفرست، تا برای اول و آخر ما عیدی باشد، و نشانه‌ای از تو و به ما روزی ده، تو بهترین روزی دهندگانی.

حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام می‌خواهد بابت یک مائده آسمانی از جانب خداوند، جشن و سرور برپا کند. اگر فرستادن غذا از طرف خداوند مستلزم جشن و سرور است، آیا نباید مسیحیان برای تولد حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام که نعمت و هدیه‌ای گرانبها است، جشن و سرور برپا نمایند؟ وجود مطهر خاتم الأنبياء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هدیه بی نظیر آفرینش است آیا نباید بابت این عطیه و انعام الهی جشن و سرور برپا نمود؟!

حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام کوثر رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ :

آیا روز ولادت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام که سوره کوثر در حق ایشان عَلَيْهَا السَّلَام نازل شده است و پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایشان را خیر کثیر^(۱) معرفی نموده است، نباید مجلس سرور منعقد کرد؟!

بنا به اتفاق اکثر مفسران شیعه و سنی کوثر عبارت است از خیر کثیر^(۲) و بالاترین تبلور آن در وجود حضرت صدیقه کبری عَلَيْهَا السَّلَام می‌باشد.

پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در رابطه با شخصیت حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام فرموده‌اند:

«فاطمة سيدة نساء أهل الجنة من الأولين والآخرين»^(۳).

فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام [بزرگ زنان بهشت است از میان تمام زنها].

۱- بحار الانوار، جلد ۸ صفحه ۱۶ و منابع اهل تسنن بنگرید به صحیح بخاری، جلد ۷ صفحه ۲۰۷.

۲- بنگرید به بحار الانوار، جلد ۸ صفحه ۱۷ و جلد ۱۶ صفحه ۳۱۱.

۳- مناقب شهر آشوب، جلد ۳ صفحه ۱۰۴ و از منابع اهل تسنن بنگرید به، صحیح بخاری،

جلد ۴ صفحه ۱۸۳ و مستدرک حاکم، جلد ۳ صفحه ۱۵۱.

آیا اعطاء خیر کثیر به پیامبر ﷺ و اختصاص آن به این امت جشن و سرور ندارد؟

رسول اکرم ﷺ در گفتار دیگری چنین می‌فرماید:

« إِنَّمَا سَمِيَتْ فَاطِمَةُ لِأَنَّ الْخَلْقَ فَطَمُوا عَنْ مَعْرِفَتِهَا »^(۱).

ایشان به نام فاطمه [علیها السلام] نام گذاری شدند، زیرا مخلوقات از شناخت ایشان عاجزند.

آیا تولّد وجود بی نظیری که آفریدگان توان شناخت ایشان را ندارند، جای خوشحالی ندارد و نباید برای آن مجلس جشن برپا نمود؟

معنای لیلة القدر:

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

« اللیلة فاطمة والقدر الله ، فمن عرف فاطمة حق معرفتها فقد أدرك لیلة القدر »^(۲).

شب فاطمه است و قدر خداوند است و هر کس فاطمه را آن چنان که شایسته و سزاوار است بشناسد بدستی که شب قدر را درک کرده.

لیلة القدر ظرف زمانی نزول قرآن است:

﴿ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ ﴾^(۳).

ما آنرا در شبی پر برکت نازل کردیم ما همواره انداز کننده بوده ایم.

۱- بحار الانوار، جلد ۴۳ صفحه ۶۵.

۲- بحار الانوار، جلد ۴۳ صفحه ۶۵ و تفسیر فرات کوفی، صفحه ۵۸۱.

۳- سوره دخان، آیه ۳.

حضرت فاطمه علیها السلام لیلۃ القدر است، یعنی ایشان علیها السلام ظرف نزول قرآن است و چرا حضرت صدیقه علیها السلام لیلۃ القدر نباشد و حال آنکه یازده قرآن ناطق در این لیلۃ نازل شده است^(۱)؟ حضرت فاطمه علیها السلام قرآن مجسم است و مظهر همه خوبیها و مکارم اخلاقی است. اگر در این شب مؤمنین گرد هم آیند و از خیر کثیر سخن گویند، بدعت است؟

ابتدا و انتهای انسان در قرآن:

خداوند متعال در قرآن کریم ۵۸ بار کلمهٔ انسان را ذکر نموده است. در مورد بدو و ابتدای خلقت او می‌فرماید:

﴿ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴾^(۲).

انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد.

﴿ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ﴾^(۳).

آفرینش انسان را از گل آغاز کرد * سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید.

خلقت انسان از آبی عفن^(۴) و نجس آغاز شده است، که اگر این آب نجس از

۱- چه زیبا سروده است یکی از محبین اهل بیت علیهم السلام :

امام صادق آن قرآن ناطق	یکی تفسیر همچو صبح صادق
بفرموده است و بشنو ای دل آگاه	که لیلۃ فاطمه است و قدر الله
چو عرفانش بحق کردید حاصل	به ادراک شب قدرید نایل

۲- سورهٔ علق، آیه ۲.

۳- سورهٔ سجده، آیه ۸ و ۷.

۴- عفن: بدبو، گندیده، (فرهنگ معین).

انسان خارج گردد باید غسل کند.

و در مورد انتها و ختم آفرینش انسان می‌فرماید:

﴿الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ﴾^(۱).

خداوند رحمان * قرآن را تعلیم فرمود * انسان را آفرید و به او بیان را آموخت.

خداوند متان انسان را آفرید و به او قابلیت تعلیم بیان عطا فرموده است. منظور از بیان فقط نطق و قوه سخنوری نیست، بلکه آموزش و فراگیری قرآن است. این مطلب با توجه به دو آیه شریفه زیر آشکار می‌گردد.

﴿هَذَا بَيَانٌ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾^(۲).

این، بیانی است برای عموم مردم، و هدایت و اندرزی است برای پرهیزگاران.

﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ﴾^(۳).

و ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است.

شأن نزول سوره انسان:

در سوره انسان که شأن نزول آن در رابطه با حضرت زهرا و همسر و

۱- سوره الرحمن، آیات ۴ تا ۱.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۳۸.

۳- سوره نحل، آیه ۸۹.

فرزندان ایشان ﷺ است^(۱)، تعبیرات خداوند در مورد انسان متفاوت است. یک آیه در مورد آغاز خلقت انسان و یک آیه در مورد کافرانی که به درجات پست سقوط کرده‌اند ذکر شده و آیات دیگر سوره در مورد انسانهای سپاسگذاری است که به درجات عالی انسانیت صعود کرده‌اند و آنان کسانی نیستند جز اهل بیت پیامبر ﷺ^(۲).

﴿ هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُنْ شَيْئاً مَّذْكُوراً ﴾^(۳).

آیا زمان طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟!

همانطور که در جلسات گذشته بیان نمودیم، دهر ظرف مجردات است و زمان ظرف مادیات^(۴). این آیه اشاره به انسان قبل از خلق شدن و در قالب خاک، گل و نطفه قرار گرفتن، دارد.

﴿ إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً ﴾^(۵).

ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم.

﴿ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمَّا كَفُوراً * إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلًا وَأَغْلَالًا وَسَعيراً ﴾^(۶).

۱- الباب النزول، صفحه ۲۹۶ و در المنثور، جلد ۸ صفحه ۳۷۱.

۲- مناقب شهر آشوب، جلد ۳ صفحه ۱۴۷، از منابع اهل تسنن بنگرید به شواهد التنزیل، جلد ۲ صفحه ۳۱۸.

۳- سوره انسان، آیه ۱.

۴- برای آگاهی بیشتر به جزوه شماره ۶ صفحه ۶ رجوع کنید.

۵- سوره انسان، آیه ۲.

۶- سوره انسان، آیات ۴ و ۳.

ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس * ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم.

﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾ * إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا ﴿١﴾.

و غذای خود را با اینکه به آن علاقه و نیاز دارند به مسکین و یتیم و اسیر می‌دهند * (می‌گویند) ما شما را به خاطر خدا اطعام می‌کنیم و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

این آیات به اتفاق همه مفسران شیعه و سنی به اهل بیت علیهم‌السلام اشاره دارد.

قتاده، مجاهد، سعید ابن جبیر، عبدالله ابن مسعود و ابن عباس که همگی از بزرگان مورد قبول اهل سنت به شمار می‌آیند، این روایت را ذکر نموده‌اند:

«إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مَرْضَا فَعَادَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي نَاسٍ مَعَهُ

فَقَالُوا: يَا أَبَا الْحَسَنِ! لَوْ نَذَرْتَ عَلَيَّ وَلَدَكَ؛

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم همراه با گروهی به عیادت [امام] حسن علیه‌السلام و [امام]

حسین علیه‌السلام که بیمار شده بودند رفتند، آنان به امیرالمؤمنین علیه‌السلام

عرض کردند: برای شفا و سلامتی فرزندان خود نذری بکنید.

فَنَذَرَ عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَفَضَّةٌ جَارِيَةً لَهُمَا إِنْ بَرْنَا مِمَّا بِهِمَا أَنْ يَصُومُوا ثَلَاثَةَ

أَيَّامٍ؛

امیرالمؤمنین علیه‌السلام و حضرت فاطمه علیه‌السلام و فضّه که کنیز آنان بود نذر

کردند که اگر آن دو بهبود یابند سه روز، روزه بگیرند.

فشفيا وما معهم شيء فاستقرض عليّ من شمعون الخيبريّ اليهودي ثلاث أصوع من شعير ، فطحنت فاطمة صاعاً واختبزت خمسة أقراص علي عدددهم فوضعها بين أيديهم ليفطروا ؛

آن دو بهبود یافتند ، و چیزی در خانه آنان نبود ، امیرالمؤمنین علیه السلام از شمعون خیبری که یهودی بود سه صاع^(۱) جو قرض گرفتند و حضرت فاطمه علیها السلام آن را آرد کردند و پنج نان به تعداد خود پختند و برای افطار کنار هر یک گذاردند .

قرض گیرنده ، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است که مالک همهٔ آفرینش است و اگر اراده کند کوه ، طلا می شود و ریگهای بیابان جواهر . قرض دهنده یک یهودی است که چندی پیش درب قلعه آنان را امیرالمؤمنین علیه السلام از جای کنده بودند .

فوقف عليهم سائل فقال: السّلام عليكم أهل بيت محمد صلّى الله عليه وآله وسلّم مسكين من مساكين المسلمين أطعموني أطعمكم الله من موائد الجنّة ، فأثروه وباتوا لم يذوقوا إلاّ الماء وأصبحوا صياماً ؛

در هنگام افطار ، گدایی درب خانه را به صدا در آورد و عرض کرد : سلام بر اهل بیت محمد صلّى الله عليه وآله وسلّم ، مسکینی از مسکینهای مسلمان هستم ، مراسیر کنید خداوند شما را از غذاهای بهشتی سیر کند . آنان علیهم السلام ایثار کردند و نانهای خود را به او دادند ، و با آب افطار کردند و برای فردا روزه گرفتند .

فلما أمسوا و وضعوا الطعام بين أيديهم وقف عليهم يتيم فأثروه ووقف

۱- صاع : واحدی در وزن برابر با چهار من ، فرهنگ معین .

عليهم أسير في الثالثة ففعلوا مثل ذلك ؛

دوباره فردا هنگام افطار یتیمی درب خانه را به صدا در آورد و آنان همانند شب گذشته ناهان را دادند و با آب افطار کردند روز سوم نیز یک اسیر درب را زد و مانند شبهای گذشته با او رفتار کردند. در روز سوم، اهل بیت پیامبر ﷺ نان خود را به غیر مسلمان دادند، زیرا اسیری درب خانه آمد و نمی‌شود مسلمان را اسیر نامید.

فلما أصبحوا أخذ علي بن أبي طالب بيد الحسن والحسين وأقبلوا إلى رسول الله ﷺ فلما أبصرهم وهم يرتعشون كالقراخ من شدة الجوع، قال: ما أشد ما يسوءني ما أرى بكم؛

صبح روز چهارم امیرالمؤمنین علی با فرزندان ایشان به نزد رسول الله ﷺ رفتند. پیامبر ﷺ آن دو را دیدند که مانند جوجه‌های پرده از گرسنگی می‌لرزند. پیامبر ﷺ فرمودند: اینکه شما را در این حال می‌بینم، بسیار مرا آزرده می‌کند.

قام فانطلق معهم، فرأى فاطمة في محرابها قد التصق ظهرها بطنها وغارت عينها فساء ذلك فنزل جبرئيل وقال: خذها يا محمد، هنأك الله في أهل بيتك فأقرأه السورة»^(۱).

پیامبر ﷺ برخاستند و همراه آنان به سوی حضرت زهرا علیها السلام حرکت کردند و ایشان را دیدند که به عبادت نشسته است و از شدت گرسنگی شکمی به پشت چسبیده دارند و سیاهی چشمانشان پیدا نیست. پیامبر ﷺ بسیار ناراحت شدند. در این هنگام جبرئیل آمد

۱- تفسیر کشف زمخشری، جلد ۴ صفحه ۶۷۰.

و عرض کرد: این را بگیر ای [حضرت] محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خداوند بخاطر خانواده ات به تو تبریک و تهنیت می گوید، و جبرئیل سوره [انسان] را خواند.

انسانی که از نطفه‌ای نجس و پست آفریده شده است، می‌تواند همه حصارها و قیدها را بشکند و به درجات بالای انسانیت صعود کند و فانی در وجه الله شود و اراده و رضای او اراده و رضای خداوند گردد. حضرت صدیقه کبری عَلَيْهَا السَّلَام و خاندان رسالت عَلَيْهِمُ السَّلَام به چنین درجاتی رسیده بودند. آیا علمای اهل سنت، قرآن می‌خوانند؟ آیا تفسیر و شأن نزول این آیه را می‌دانند؟

کج اندیشی بدترین بیماری:

آیا برپا کردن جشن و سرور برای تولد و برگزاری مجلس سوگواری و ماتم برای شهادت این یگانه گوهر آفرینش بدعت و شرک است؟! این تیمیه و پیروان وی احکام الهی را تحریف می‌کنند، و هر کس نظری بر خلاف آنان بگوید او را متهم به نادانی می‌کنند. باعث تأسف و تأثر است که جهان اسلام گرفتار این موجودات نادان، کودن و خشک سر شده است. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

« ما أخاف على أمتي الفقر ولكن أخاف عليهم سوء التدبير »^(۱).

من از فقر و تنگدستی امتم نمی‌ترسم، بلکه از زشت تدبیری آنان هراس دارم.

۱- عوالی اللثالی، جلد ۴ صفحه ۳۹ و این حدیث در منابع اهل سنت با اندکی تفاوت ذکر شده از جمله: مسند احمد حنبل، جلد ۴ صفحه ۱۳۷.

بد فهمی و کج اندیشی بدترین بلایی است که امروزه مسلمانان گرفتار آن هستند.

توجه به ایرادات روز:

روایت فوق، فزاینده‌های خوبی برای آموزش خواهران دارد. حضرت فاطمه علیها السلام نان را با دست خود آرد کردند و نان پختند. امروزه کسی از زنان چنین انتظاری ندارد، اما زنان نیز نباید فریب زیاده خواهی خواهان را بخورند، احکام الهی از وحی الهی یا از روایات صحیح بر گرفته شده است. این حکم که ارث زن نصف ارث مرد است، از احکام صریح قرآن کریم است^(۱) که قابل تغییر نیست. و احکام دیگر نیز چون قصاص، دیه و... از منابع روایی مستند اخذ شده است^(۲). خداوند متعال حکیم است و در جعل احکام شرعی به همه جوانب نظر داشته است و این احکام بر اساس نیازها و تفاوت‌های زنان و مردان در آفرینش جعل شده است مبدا زمزمه‌های کسانی را بشنویم که سخن از برابری و تساوی زن و مرد می‌گویند. اگر قرار است ارث زن و مرد برابر شود، آیا می‌پذیرند که نفقه و مهریه و... که از حقوق زنان به شمار می‌آید، حذف شود؟

مبدا شبهات خناسان^(۳) در زنان تأثیر بگذارد و باعث بدبینی نسبت به احکام شرعی گردد. متأسفانه برخی از روشنفکران و برخی از آقایانی که ادعای علم و فقهت دارند به این شبهات دامن می‌زنند. احکام الهی قابل تغییر نیست.

۱- سوره نساء، آیه ۱۱.

۲- بنگرید به وسائل الشیعه، جلد ۲۹.

۳- خناس: شیطان، اهریمن، فرهنگ معین.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

« حلال محمد صلی الله علیه و آله و سلم] حلال ابدأً إلى يوم القيامة و حرامه حرام ابدأً إلى

يوم القيامة»^(۱).

حلال محمد صلی الله علیه و آله و سلم] همیشه و تا روز قیامت حلال است و حرام وی

همیشه و تا روز قیامت حرام است.

چندی قبل یکی از اساتید دانشگاه تماس گرفتند و گفتند: یکی از

دوستانشان در رابطه با مسائل دینی نظرات خاصی دارند. قرار شد که با وی

صحبت کنم. پس از سلام به وی گفتم: تحصیلات شما چیست؟ او گفت:

متخصص دندان پزشکی هستم سپس به وی گفتم: آیا من می توانم در رشته شما

نظر بدهم؟ در پاسخ گفت: خیر. به او گفتم: آیا دین و احکام الهی این قدر بی

ارزش شده است که ناگهان آقای دکتر سخنانم را قطع و معذرت خواهی کرد و

گفت: پاسخ خود را یافتم.

همه مسائل و رشته های علمی نظام خاصی دارد و در مسائل دینی نیز این

امر جاری است. هر کسی نمی تواند بدون مطالعه در این زمینه نظر بدهد. بنده

حدود چهل سال در مسائل دینی مطالعه و تحقیق کرده ام اما هنوز نمی توانم ادعا

بکنم که به تمام جزئیات اطلاع دارم.

مسئله مهمتر دیگر، تعبدیات است، اگر در مسأله ای اطلاع کافی نداشته

باشیم، باید به آن تعبد داشته باشیم. بسیاری از احکام اسلامی را با تعبد

پذیرفته ایم، مانند تعداد رکعات نماز و ... انشاء الله تعبدیات در ما تضعیف نشود.

۱- کافی، جلد ۱ صفحه ۵۸.

تولی و تبری در کنار هم:

شناخت حضرت فاطمه علیها السلام برای ما بسیار مهم است زیرا ایشان علیها السلام بالاترین الگو و والاترین مربی و ارزشمندترین نمونه است. ما حضرت فاطمه علیها السلام را نمی‌شناسیم مگر آنکه مخالفین و دشمنان ایشان را به خوبی بشناسیم. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«واعلموا أنکم لن تعرفوا الرشد حتّی تعرفوا الذی ترکه»^(۱).

و بدانید شما حقیقت رشد و کمال را نخواهید شناخت، مگر کسی را که آن را ترک کرده است بشناسید.

تولی در کنار تبری ارزش دارد و تولی تنها هیچ قیمت و ارزشی ندارد، انشاء الله به برکت این ایام هر دو گوهر گرانبه‌ای تولی و تبری در اعتقادات ما تقویت شود. انشاء الله خداوند متّان این شب مبارک را سرشار از خیر و برکت قرار بدهد.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

۱- نهج البلاغه، خطبة ۱۴۷.

خود آزمایی:

- ① ابن تیمیّه و پیروان وی در رابطه با برپایی مجالس برای اولیای الهی علیهم السلام چه نظری دارند؟
- ② تعریف فقهاء از بدعت را بیان کنید.
- ③ با استفاده از روایات حرمت بدعت را بیان کنید.
- ④ برهان عقلی برای ممنوعیت بدعت چیست؟
- ⑤ اهل سنت بدعت را دارای چه احکامی دانسته‌اند، چرا؟
- ⑥ یکی از بدعت‌های عمر (علیه ما علیه) را بیان کنید.
- ⑦ آیا بنا به نظر اهل تسنن می‌توان گفت بزرگداشت اولیای الهی علیهم السلام بدعت است؟ چرا.
- ⑧ با آیات قرآن استدلال کنید که احترام و خضوع نسبت به غیر خداوند شرک نیست.
- ⑨ سوره کوثر در رابطه با چه کسی نازل شد؟ معنای کوثر چیست؟ و به چه شخصی اشاره دارد.
- ⑩ منظور از *لیلة القدر* کیست؟
- ⑪ شأن نزول سوره انسان را بیان کنید.
- ⑫ چرا اظهار نظر در امور دینی در صلاحیت همه نیست.

... ابن تیمیّه و پیروان وی مدّعی اند که
برپا کردن مجلس بزرگداشت برای هر
کس ، عبادت و پرستش آن شخص به
حساب می آید. آیا اگر کسی برای فرزندش
جشن تولّد بگیرد ، فرزندش را عبادت
می کند؟! در روایات آمده است ولیمه
دادن که به عبارتی برگزاری مجلس جشن
و سرور می باشد برای مواردی چون
عروسی ، ختنه کردن فرزند و خرید منزل
مستحب است ، آیا در این موارد نیز ما
عروس و داماد ، فرزند ختنه شده یا
صاحب منزل را عبادت و پرستش
می کنیم!؟

(صفحه ۱۱ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک : info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

کاشان : حسینیه مرحوم آیت الله یشربی رحمته الله علیه

تلفن : ۴۴۴۳۳۴۳ - ۴۴۴۵۲۷۷_۴۴۴۹۹۳۳ : نمابر : ۴۴۴۹۹۳۳

به سوی معرفت ۱۸

۶